

مسائل ایران

از: دکتر منوچهر قاطع

چرا امیدواریم؟

این مسأله که کشور ما در دوران حاضر حساس‌ترین لحظات تاریخی خود را طی میکند مورد بحث و موشکافی مجالس و محافل سیاسی و اجتماعی است گام‌های بلندی که در زمینه نوسازی برداشته‌ایم، اقداماتی که در تحکیم مبانی استقلال و تمامیت کشور بعمل آورده‌ایم، روش‌های متین و منطقی که در تعیین خط‌مشی سیاسی و ارتباطات خود با سایر کشور های جهان اتخاذ کرده‌ایم و بالاخره کوشش عظیمی که برای درک شرایط کمی و کیفی جهانی که در آن زندگی میکنیم مبذول داشته‌ایم بناچار چنان حالتی ایجاد کرده است که همه افراد ملت را نسبت به سرنوشت مملکت علاقمند بنماید. تا همین گذشته نزدیک که هنوز در قید زنجیر اسارت و بندگی اصول و مقررات کهنه و پوسیده ادوار سیاه تاریخ کشور خود بودیم و بعزت عقب ماندگیهای غیر قابل انکار در تمام شعبون زندگی قدرت تفکر منطقی و بررسی دقیق راجع به چگونگی حیات جامعه خود را از دست داده بودیم هرگز تصور نمیرفت کشور عزیز ما بتواند در اندک زمان بچنین تحول درخشانی دست زده و تا این حد از فاصله خود با دنیای پیش رفته بکاهد، ما و هر جامعه در حال رشد که مرحله انتقال از دوره برزخ به شکوفان را میگذراند اجباراً با دو مسأله اساسی روبرو خواهد بود یکی گسستن از قید و بندهای گذشته که تا حدی هم ممکن است

جنبه ترادسیون و یا تمایلات عمومی و عادات همگانی پیدا کرده باشند که در واقع همان گریختن از کهنه پرستی است و دیگر پیوستن به اصول و مقررات جدید و نوظهور است که غالباً پارو حیات و خصال يك ملتی که با سرعت پیشرفت زمان به جلو نرفته و حالت عقب ماندگی پیدا کرده است هماهنگ و مطابق نیست، و در این میان کشتی بوجود میآید که یکسوی آنرا ارتجاع و سوی دیگرش را نوظللی و تجدد خواهی تشکیل میدهد و ناگزیر دستجات مختلف توده‌ها با خصوصیات که دارند بجانب یکی از این دو قطب متمایل میگرددند و آگاه و ناآگاه در حالیکه دسته‌ای به پیش میتازد دسته دیگر نمیخواهد از جلد قدیمی و کهنه خود خارج شده و هماهنگ با تغییرات و تحولات نوین گردد. و این کشمکش و تضاد، مشخص ترین خصیصه دوره انتقال است. تردید نیست که تبدیل جامعه ترمز شده به جامعه دینامیک و نوظللی امری اجتناب ناپذیر و تا حدی خود بخودی است باین مفهوم که تکامل پست به عالی، قانونی است طبیعی و کلی و اجتماعات بشری نیز از این قاعده اصیل و لایتغیر نمیتوانند برکنار مانده و یا سد راه تکامل گردند و این يك آموزش کلاسیک است کلاسیک باین معنی که فقط يك اصل و يك قاعده عمومی و کلی و غیر قابل اجتناب را بیان میکنند اما این آموزش کلاسیک زمانی کامل خواهد شد که با تاکتیک و تکنیک تجهیز کننده و نیرو دهنده توأم گردد مثلاً وقتی امر تکامل يك جریان خود بخودی شناخته میشود بهیچوجه معنایش این نیست که پس باید نقش حساس و قاطع افراد ملت را در ایجاد این تکامل و پیشرفت انکار کرد و لذا توده‌ها میتوانند فارغ‌الیهال به استراحت و تن-پروری پردازند و بالا قیدی از کنار مسائل و معضلات جامعه بگذرند تنها با این اعتقاد که تکامل يك جریان خود بخودی است و لذا احتیاجی به تلاش برای تأمین و تسریع آن نخواهد بود.

در این جا متوجه این حقیقت باید شد که فرم کلاسیک تکامل تا زمانیکه در قالب جهش‌های سریع انقلابی ریخته نشود مخصوصاً برای کشور های عقب مانده و یا در حال رشد معجزه‌ای نخواهد کرد و جهش‌های سریع انقلابی امکان پذیر نخواهد بود مگر با تجهیز کردن مردم در جهت درك عمیق اصالت جهش های انقلابی که لازمه آن پاره کردن تمام بندها نیست که بنحوی توده‌ها را بارگود و عقب ماندگی پیوند میدهد. و اما تشخیص اینکه چه پدیده‌ای در جامعه موجود رکود و عقب ماندگیست نیز خالی از اهمیت و احیاناً اشکال نیست

زیرا بدون تردید بسیاری از پدیده های جامعه قدیمی که میتوان آنها را تحت عنوان پدیده های ملی معرفی کرد در تسریع تکامل و ساختن جامعه نوین نقش زیر بنا را ایفاء نموده و در بثمر رساندن تحولات اثر مستقیم و ممتاز دارند ، هستند کسانیکه در نوآوری شتاب دارند شنایی احمقانه و مخرب این دسته بهمان اندازه دشمن تحولات و اصلاحاتند که مرتجعین خرافات پرست بی مایه . چه فرقت بین آن رمال دعا نویس تاریک بین با آن باصلاح متمدن مقلد بی- ایمانیکه راه حقیقت را گم کرده و در سراشیب فساد و جهل لغزیده و از تجدد و ترقی بمثابه ایجاد انارشسیم و بی بند وباری در اصول انسانیت و معتقدات ملی و مذهبی یاد میکنند ؟؟ بدون تردید این هر دو بیک اندازه در راه تأمین سلامت جامعه و اصالت تحول اخلال کرده و در یک حد مساوی متجاوز بحقوق مردم و خائن بمنافع ملی شناخته میشوند مقصود این است که در امر تکامل تعیین مرز بین کهنه و نو، بین آنچه که باید دور ریخته شود و آنچه که باید حفظ شود و یا بوجود آید کاری حساس و دقیق است تا حدیکه اشتباه در آن جبران ناپذیر خواهد بود ، جدا کردن مردم از تمایلات، اعتقادات و روش های قدیمی، و برقرار کردن ارتباط بین آنها و جهان نو با تمام مشخصات و خصوصیاتش محتاج بدرك عمیق همه مسائل مطروحه و تدارك کافی و همه جانبه است و آنچه که زمان لازم دارد همین تدارك است تداركی که با مقنات ، برد باری و صمیمیت همراه باشد و در چگونگی و ایجاد آن مستقیماً از نیروی مردم کمک گرفته شود .

بررسی مراحل تکامل و جهش های انقلابی و یا اصلاح طلبانه در کشور های مختلف دنیا این حقیقت را بیش از پیش آشکار میسازد که توفیق در امر سازندگی انقلابی منوط به هماهنگ شدن مردم با رهبران و دستگاه رهبری است و در واقع همین هماهنگی است که هم شرایط مساعد برای پیدا کردن دید صحیح و خالی از اشتباه نسبت بمسائل ایجاد میکند و هم امر تدارك اجرای برنامه های مدون شده را تسهیل و تسریع مینماید از این رو شایسته است که مسأله هماهنگ شدن مردم با رهبران و دستگاه رهبری بنحوی جدی تر مورد توجه واقع گردد، شك نیست در کشور هایی که رژیم حاکم در کادر اصول دموکراتیک رعایت آزادی فکر - بیان و عقاید را مینماید و امکان پرورش معقول توده ها را برای بنست آوردن دانش لازم سیاسی و اجتماعی فراهم میسازد این هماهنگی سریعتر و کاملتر بوجود خواهد آمد و راه برای بثمر

رساندن طرح های اصلاحی و تحقق رفورم های وسیع در زمینه های مختلف هموار میگردد .

خوشبختانه در کشور عزیز ما باین مطلب که درخور هر گونه اهمیت است در مقایسه با گذشته توجه بسیار شده است دستگاه رهبری مملکت توجه پیدا کرده است که بدون جلب اعتماد ، علاقه و همکاری مردم قادر با اجرای برنامه های انقلابی نخواهد بود . هماهنگی مردم با دولت قطعی ترین ضامن پیروزی انقلاب و مهمترین پشتیبان و پشتوانه آنست و اینک که سیاست خارجی ما چهره ای ممتاز و راهی مشخص پیدا میکند این همبستگی ملت و دولت بیش از هر زمان دیگر الزام آور و ضروریست ، باین جهت که در پناه چنین همبستگی شایسته ای امنیت و اقتدار ملی حفظ شده و آنچنان نیروی عظیمی بوجود خواهد آمد که حتی تصور آن برای دشمنان ما مرگ آور و کشنده است ، هر گاه می بینیم که ملت ایران در راه همبستگی ملی و وحدت اجتماعی خود بردارد اقدام مؤثری است برای درهم شکستن توطئه های ضد ملی ، توطئه هایی که به کار سردانی بیگانگان و استعمارچیان حرفه ای علیه امنیت و استقلال و منافع ملت ایران سازمان داده میشود و در قبول این حقیقت نیز تردید نباید داشت که عدم وحدت و یکپارچگی نتیجه اش تضعیف امنیت ملی است که محصول آن ورشکستگی سیاسی و اقتصادی و از بین رفتن حیثیت و اعتبار مملکت خواهد بود . و این را همه میپذیریم که یک جامعه بی اعتبار ، ورشکسته و غیر متشکل هر گز قادر به حفظ منافع خود در برابر بیگانگان نیست و درست بهمین مناسبت ما اعتقاد داریم که علت اصلی نا بسامانی های گذشته ضعف امنیت ملی بوده است کما اینکه پیشرفت و ترقی کنونی ما فقط در سایه تقویت امنیت ملی امکان پذیر گشته است .

رشادت بی نظیر ملت غیور ایران در اقدام معجز آسای خود برای ساختمان وسیع کشور و جبران عقب ماندگیهای گذشته ، بصیرت و هوشیاری قابل تحسین در اتخاذ خط مشی روشن و صریح در سیاست خارجی و در ارتباطات جهانی توجهی که بسأله وحدت ملی و یکپارچگی طبقات اجتماع معطوف میدارد و بالاخره حمایت اصیل و شرافتمندانه ای که از رهبر عالیقدر ، کاردان و دؤراندیش خود بعمل میآورد همه و همه در سایه امنیت ملی و از برکت وجود آن میباشد . اگر شکوفه های گلستان وطن ما رایحه خوش دارند اگر امید می رود که امکانات وسیع برای درخشیدن استعداد های نهفته فراهم

گردد، اگر آرزوهای پرشکوه برای آینده مملکت از صورت ذهنی خارج شده و جهات مختلف واقعیات عینی را در بر گرفته است.

اگر هر روز که از عمر ملت کهنسال ما میگذرد ساعات گمشده و بسی حاصل برای او نیست و هر قدمی که برمیداریم تلاشی بزرگ و مبارزه‌ای جانانه و جوانمردانه در راه بهتر زیستن است، و بالاخره اگر از هم اکنون دورنمای عظمتی درخور مقام و منزلت تاریخی خود را مجسم کرده و مصمم و یکدل در راه کسب پیروزیهای باز هم بزرگتر و افتخار آمیزتری به پیش می‌تازیم، از دشمنان نیمه‌راسیم و برای آنها که بدوستی با ما مباحثات میکنند هم‌زمسی مطمئن و قابل اعتمادیم باز هم بغاظر وجود امنیتی است که از آن برخورداریم، امنیتی که حافظ دموکراسی ملی قانون اساسی و حاکمیت خلق است، امنیتی که فرزندان ملت را از گرد آهر یمان و تعرض دشمنان مصون میدارد و با چشمانی باز و ضمیری آسمان راه را از چاه تشخیص داده و ماسک از چهره دیوسیرتان و خائنین به‌ملک و ملت بر میکشد.

لذا تکیه اصولی ما روی اهمیت و ارزش امنیت ملی کاملاً بجای و منطقی است، منطقی از این جهت که بدون تأمین و تحکیم مبانی امنیت ملی در کشور خود هرگز موفق با اجرای پروژه‌ها، برنامه‌ها و شعارهای انقلاب نمیشدیم ستایش جهانیان نسبت با آنچه که طی سالهای محدود انجام داده‌ایم بیشتر از آن جهت است که در همین سالها اکثر کشورهای جهان بعزت و وجود بحران‌های شدید داخلی و خارجی، با یک نوع ناامنی خطرناک که موجب پیدایش هرج و مرج و انارشیم و بی‌بندوباری در تمام شئون زندگی آنها گردیده‌است روبرو بوده و هر روز با برپاشدن آشوب و بلوای تازه‌ای بیش از پیش بسوی اضمحلال و نابودی نغزیده‌اند. در شرایطی که دنیا بیش از چند قدم با جنگ خانمانسوز و نابودکننده اتمی فاصله نداشته است و تشدید جنگ سرد هر گونه روزنه امید را برای حفظ صلح و توسعه دوستی بین ملل از بین برده مابراهی سر نهاده‌ایم و در طریقی به پیش می‌تازیم که متضمن حفظ و حراست استقلال و تمامیت کشور، تأمین کننده امنیت ملی و سازندگی وسیع و همه جانبه انقلابیست، و این کاریست بزرگ که کاریکه ثمره همتی والا و شگفت انگیز است کاریکه نشان دهنده قدرت و عظمت ملتی کهنسال، متمدن و قهرمان است. ملتی که هرگز نخواهد مرد، ملتی بزرگ با آرمانی بزرگ.

این را دیگر همه مردم دنیا فهمیده‌اند حتی آنها که با تاریخ ملل بیگانه

و نسبت به چگونگی سیر حوادث در خارج از سرزمین خود نا آشنا و بی تفاوت هستند، آری امروز در اقصی نقاط گیتی صحبت از ملت ما، وطن ما، انقلاب ما و پیروزیهای ماست این تبلیغ بی پایه نیست، این سخن گزاف نیست يك خود ستایی ابلهانه نیست، این واقعیت است و واقعیتی که حاکی از عظمت کاریست که بآن پرداخته ایم واقعیتی که دال بر شایستگی و لیاقت ملت غیور ماست.

چرا کشور ما در دوران حاضر حساس ترین لحظات تاریخی خود را طی میکند و چرا مسأله ما، کشور ما، مبارزات ما، روش داخلی و سیاست خارجی ما، اقتصاد ما، فرهنگ ما، صنایع ما و بالاخره اجتماع ما با تمام خصوصیاتش جلب توجه جهانیان را نموده و چرا ملت ایران تحقق آرزوهای دیرین خود را در آینه زمان زمانیکه پیروزی فردای نزدیک را بشارت میدهد تماشا میکند و چرا دیگر این توهم نیست، خواب و خیال نیست، يك واقعیت است، يك واقعیت عینی و قابل فهم. چرا... ؟؟ برای اینکه آنچه که در خارج چو آب انقلاب و تحت شعار های انقلابی تنظیم و تدوین گردیده مستقیماً خواست زحمتکشان وطن ما بوده است.

مردم تشنه اصلاحات و آماده انقلاب ملی بودند مردم تمام قدرت و نیروی خود را با اعتماد و اعتقاد به حقانیت و اصالت عملی که میکنند باختیار رهبر انقلاب نهادند و همه تلاش ها و پیگیریهای او را تأیید و تصدیق کردند و این وحدت و هماهنگی بسیار پر ارزش و گرانبها بود، حلال همه مشکلات و داروی شفا بخش همه دردهای جامعه ما بود، و لذا نتیجه چنین پیوندی آن شد که امروز دنیا ما را میسزاید و در برابر عظمت کاریکه انجام داده ایم از تعجب نمیتواند خودداری کند اما واقعیت این است که ملتی بپاخاسته است تا بهمد آرزوهای خود برسد و این آغاز کار است. درود بر ملتی که شرف و افتخار را انتخاب کرده و تهنیت بر رهبری که پیشاپیش چنین ملتی برچم برافراشته است.